

نقش رسانه‌ها در توسعه هنجارهای حقوق بشر در عصر جهانی شدن

دکتر مجید عباسی (اشلقی)^۱

دکتر رسول نوروزی فیروز^۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۶/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۷/۹/۲۰

چکیده

حقوق بشر و رسانه دو مقوله‌ای هستند که ارتباط وثیقی با جهانی شدن دارند. هر دو هم محصول جهانی شدن و هم ابزارهایی برای بازتولید آن هستند. در این پژوهش تلاش شده است تا چگونگی بازیگری رسانه‌ها در توسعه هنجارهای حقوق بشری در عصر جهانی شدن تبیین شود. جهانی شدن با افزایش ارتباطات و وابستگی‌های متقابل و در نتیجه محدود کردن حاکمیت‌های ملی، نفوذپذیری جوامع و تلاش برای همسان‌سازی را میسر ساخته است. در این وضعیت بسیاری از مفاهیم در گستره جهانی تعریف می‌شوند؛ نظیر حقوق بشر که به حقوق مردم — در برگیرنده تمام انسان‌های کره زمین — ارتقا یافته است. از سویی دیگر کارکردهای خاص رسانه نظیر آموزش، افزایش آگاهی افراد، اطلاع رسانی به ملت‌ها و نهایتاً جامعه جهانی سبب نهادینه شدن هنجارهای حقوق بشری در بخش قابل توجهی از جهان شده است.

کلید واژگان: هویت، حاکمیت، جهانی شدن، رسانه، حقوق بشر.

^۱ دانشیار روابط بین الملل، دانشگاه علامه طباطبائی Email: dr.majidabbasi@gmail.com

^۲ عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی Email: rasoolnorozi@gmail.com

مقدمه

قرن بیستم را می‌توان چالش برانگیزترین و غمبارترین قرن در زیست انسانی دانست. وقوع دو جنگ جهانی و کشته شدن بیش از ۵۰ میلیون انسان در آنها و جنگ‌های متعدد و پراکنده دیگر در اقصی نقاط جهان همراه با اوج‌گیری رقابت میان شرق و غرب و ظهور نهضت‌های ضد استعماری، استقلال مستعمرات که عموماً با جنگ و خونریزی همراه بود و... همه فجایعی بودند که جهان را به سمت ارتقاء سازوکارهای موجود برای ایجاد حیاتی امن‌تر برای نوع بشر ترغیب نمود. هر چند پرداختن به حقوق بین‌الملل برای مدیریت مقوله جنگ و تقویت وضعیت صلح از دیرباز مورد توجه اندیشمندان بوده است؛ اما پس از جنگ جهانی دوم به صورت ویژه به حوزه‌های جدیدی از حقوق بین‌الملل نظیر حقوق بشر توجه شده است.

دغدغه اصلی کسانی که صرف پرداختن به حقوق بین‌الملل را برای ایجاد صلح کافی نمی‌دانند مقوله ضمانت اجرای آن است و از این منظر حقوق بشر نیز از جمله رژیم‌هایی است که در مرحله اجرا با مشکلات جدی مواجه است و بسیاری از کشورها بسته به سیستم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و... خود از اجرای کامل مفاد اعلامیه حقوق بشر خودداری می‌کنند. از این رو جستجوی راهکارهای جدید نظیر استفاده از سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی و نیز تغییر فرهنگی و اجتماعی ملت‌ها در دستور کار قرار گرفته است. به دیگر بیان برای اجرایی و عملیاتی شدن ارزش‌ها و موازین حقوق بشری مقبول در جهان غرب، ضمن حفظ سازوکارهای سخت و مبتنی بر قدرت سازمان‌های بین‌المللی، استفاده از سازوکارهای جدید می‌تواند زمینه‌های پذیرش حقوق بشر در سایر نقاط جهان که عمدتاً غیر غربی هستند را فراهم آورد.

از جمله تحولات مهم در نیمه دوم قرن بیستم، مقوله انقلاب اطلاعات بود که در دهه ۱۹۷۰ در دره سیلیکون در کالیفرنیا امریکا رخ داد. این انقلاب جهان را وارد دوره جدیدی نمود که مولفه اصلی آن را جهانی‌شدن ارتباطات و اطلاعات دانسته‌اند. جهانی‌شدن ارتباطات جهان را به دهکده‌ای تبدیل کرده است؛ زیرا قابلیت تبادل در سطح کره زمین از سرعت و حجم بسیار بالایی برخوردار است و به مدد رسانه‌های جدید همچون اینترنت و ماهواره و... تمامی افراد جهان می‌توانند به اطلاعات مورد نیاز خود دسترسی داشته باشند. از این رو ست که می‌توان گفت که جهانی‌شدن امکاناتی را فراهم ساخته است که می‌توان به اتکاء بر آن اهداف را از طریق غیر از کانال‌های رسمی و حقوقی پیگیری کرد.

در این پژوهش تلاش بر این است تا بر اساس نظریه جهانی‌شدن به مطالعه نقش رسانه‌ها در گسترش هنجارهای حقوق بشری پرداخته شود. زیرا رسانه یکی از مهمترین ابزارهای تحقق

جهانی‌شدن بوده است و با توجه به نفوذ و فراگیری آن در سطح جهان می‌تواند به مثابه ابزاری کارآمد در توسعه هنجارهای حقوق بشری ایفای نقش نماید. ناگفته پیداست که اصل رابطه میان رسانه و توسعه هنجارهای حقوق بشری امری مفروض است؛ زیرا هم در مباحث نظری و هم در نگاه تجربی و عرصه عمل اثبات شده است که رسانه به عنوان یک بازیگر فراملی در عصر جهانی‌شدن در توسعه حقوق بشر نقش موثری ایفا می‌کند. از این رو در این پژوهش با اتکا و ابتنا بر نمونه‌های موردی در زمینه حقوق بشر تلاش می‌شود تا چگونگی این رابطه تبیین شود.

از سویی دیگر حقوق بشر بارزترین نماد جهانی‌شدن در دوره معاصر می‌باشد که در نسل سوم آن به عنوان مفهومی کلی در نظر گرفته می‌شود که مصادیق آن تمام مردم کره زمین هستند (حقوق مردم). بنابراین هم رسانه در عصر جهانی‌شدن مخاطب خود را در گستره جهانی و یا به عبارت بهتر مردم جهان تعریف می‌کند و هم حقوق بشر در آخرین نسل خود مخاطب خود را مردم در نظر گرفته است.

این پژوهش تلاش دارد تا با استفاده از روش توصیفی-تبیینی به این پرسش اصلی پاسخ دهد که: «رسانه در عصر جهانی‌شدن چگونه سبب توسعه هنجارهای حقوق بشری شده است؟» در پاسخ به سوال اصلی فرضیه عبارت از این است که: «رسانه از طریق آموزش، اطلاع رسانی و افزایش آگاهی شهروندان و اتباع کشورها موجب توسعه و نهادینه شدن حقوق بشر در سطوح ملی و بین‌المللی شده است.»

چارچوب نظری: جهانی‌شدن

می‌توان جهانی‌شدن را به مثابه یک گفتمان در نظر گرفت که دال‌های خاص خود را دارد و در مقابل خرده گفتمان‌های دیگر از فراگیری برخوردار است. حقوق بشر به مثابه یک برساخته اجتماعی است که هنجارهای آن هم برابند و تولید تعاملات در عصر جهانی‌شدن هستند و هم این هنجارها در فرایند جامعه‌پذیری — در دو عرصه داخلی و بین‌المللی — نهادینه و بازتولید می‌شوند و در این میان رسانه به عنوان یک بازیگر غیردولتی نقش یک نهاد آموزش‌دهنده قدرتمند عمومی را ایفا می‌کند (Focarelli, 2012: 38)

جان بیلیس و استیوا اسمیت در کتاب «جهانی‌شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین» در تعریف جهانی‌شدن آورده اند که: «افزایش ارتباطات بین جوامع به گونه‌ای که وقایع و تحولات یک گوشه از جهان به طور فزاینده‌ای بر مردم و جوامع دیگر سوی جهان تاثیر می‌گذارد (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۳: ۳۳) رابرت کاکس جهانی‌شدن را «دیدگاه همسان‌سازی اجتناب‌ناپذیر فعالیت‌های فرهنگی و اقتصادی می‌داند. جهانی‌شدن، به مثابه یک ایدئولوژی،

شکل نهایی از خود بیگانگی است. چیزی که توسط بشر خلق شده؛ اما بر آنها سلطه مطلق دارد» (Cox, 2002: 1) امانوئل کاستلز جهانی شدن را از جهان پایان هزاره دوم به جهان نو تعبیر می‌کند که ویژگی اصلی آن شبکه‌ای شدن جامعه است. از دیدگاه وی جهان نو برآمده از سه فرایند می‌باشد: «انقلاب در فناوری اطلاعات، بحران‌های اقتصادی؛ و نهایتاً ظهور و شکوفایی جنبش‌های فرهنگی جدید نظیر فمینیسم و حقوق بشر.» در حقیقت کاستلز مقوله حقوق بشر را برابری ظهور جهان نو و یا همان جهانی شدن می‌داند (رک: کاستلز، ۱۳۸۰).

امروزه جهانی شدن از اثرگذاری و در نتیجه مقبولیتی برخوردار است که فهم کامل نظم جهانی معاصر بدون توجه کردن به "جهانی شدن" حاصل نمی‌شود. از این رو می‌توان گفت که تأثیرات جهانی شدن در حیطة و مقیاس مختلف به تمام نقاط جهان رسیده است. (Mozaffari, 2002: 25) از این رو جهانی شدن جایگاهی خاص در نظم و ثبات کنونی جهان دارد زیرا:

«جهانی شدن در ترکیب با گسترش تمدن غربی یک نظم جهانی خاص را خلق کرده است. این نظم جهانی صرفاً به یک ثبات مکانیکی محدود نمی‌شود. نظم جهانی جدید فراتر از ثبات می‌رود. این نظم نیازمند مشروعیتی است که کاملاً با مشروعیت مرتبط با حاکمیت مطلق و دائمی متفاوت است؛ یعنی میراث نظم وستفالیایی. تازگی آن در این است که تحولات اخیر در مقایسه با هر زمان دیگری در تاریخ مهم‌تر و کلی‌تر است. تغییرات جدید در هویت‌های دولت هم افقی است و هم عمودی.» (Mozaffari, 2002: 28)

به تعبیر گریت گانگ، امروزه با توسعه ارتباطات و ظهور جهانی شدن، شاهد تحقق مولفه‌ها و معیارهایی برای تمدن در گستره جهانی هستیم. معیارها و مولفه‌هایی که معیار تمدن قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم اروپای غربی هستند و عمیقاً در معیارهای بین‌المللی تمدن عصر حاضر گنجانده شده است (Gong, 2002: 77).

بنابراین امروزه جهانی شدن امری انکارناپذیر، هویت‌دهنده، نظم‌دهنده و تولیدکننده مفاهیمی (همچون حقوق بشر) و ابزارهایی (همچون رسانه) است که قادر است آنها را نهادینه سازد. از این رو حقوق بشر را هم می‌توان به عنوان یکی از پیامدهای جهانی شدن دانست که توسط خود جهانی شدن در حال بازتولید است و در این پژوهش تلاش می‌شود چگونگی بازتولید این مفهوم بازنمایی شود. مفهومی که تاکنون محمل ارزش‌های متعددی شده است و از طریق

سازوکارهای جهانی شدن در حال نهادینه شدن و پذیرش عمومی است. اما پرسش این است که این کاربری‌های جهانی شدن از کدام ویژگی‌های سرچشمه می‌گیرد و در حقیقت چرا از این قابلیت برخوردار است؟ در پاسخ به این پرسش برخی از نویسندگان چند ویژگی اساسی را برای جهانی شدن بر شمرده‌اند: ۱. وسعت شبکه‌های جهانی (ارتباطات) که به طور خلاصه عبارتند از اینترنت؛ شبکه‌های تلویزیونی جهانی؛ روزنامه‌های جهانی. ۲. عمق و شدت به هم پیوستگی که غالباً در دو حوزه اقتصادی (تغییرات اقتصادی، شرکت‌های فراملی) و فرهنگی (فرهنگ جهانی) ظهور و بروز پیدا می‌کند. ۳. سرعت جریان‌های جهانی. ۴. نهادینه شدن شبکه‌های جهانی و اعمال قدرت. ۵. شیوه‌های مسلط تعامل جهانی. (سلیمی، ۱۳۹۲: ۳۲ — ۳۱) بنابراین جهانی شدن که مبتنی بر انقلاب ارتباطات شکل گرفت بسیاری از مفاهیم موجود و وضعیت‌های حاکم بر جوامع را دستخوش تغییر کرد. به لحاظ سیاسی دولت‌های ملی را تضعیف کرد و امکان ارتباط جوامع با یکدیگر را فراهم آورد و جهان را تبدیل به یک شبکه ارتباطی کرد.

رسانه مهمترین ابزار جهانی‌شدن

رسانه عبارت است از هرگونه ابزار ارتباطی اعم از رسانه‌های جمعی (رادیو، تلویزیون، روزنامه)، رسانه‌های اجتماعی (اینترنت، شبکه‌های اجتماعی، و...). در اینجا مراد از ارتباط پیوند «الف» با «ب» در مورد «ج» است و یا به عبارت دیگر ارتباط زمانی محقق می‌شود که «الف» با «ب» در ارتباط با «ج» پیوند برقرار می‌کند. این ارتباط یا چهره به چهره و مستقیم است و یا غیرمستقیم و از طریق میانجی. مثلاً «د» میان «الف» و «ب» در مورد «ج» پیوند برقرار می‌کند (گارت اس و ویکتوریا، ۱۳۷۲: ۳۹). رسانه دقیقاً همان میانجی است که می‌تواند میان «الف» و «ب» در مورد «ج» پیوند برقرار کند و از کارکردهای مختلفی برخوردار است. که به طور خلاصه عبارتند از:

الف: کارکرد نظارتی (در غالب اطلاع‌رسانی و مراقبت از محیط) که می‌تواند در موارد زیر خلاصه شود: ۱. ارائه اخبار و اطلاعات ضروری برای جامعه، شامل اخبار مثبت و منفی که برای جامعه و اقتصاد ضروری هستند (اخبار تهدیدها و فرصت‌ها)؛ ۲. تمایز میان خوب و بد؛ آگاهی بخشی با ارائه تحلیل درست از اخبار؛

ب: کارکرد نوگرایی و توسعه: به این نحو که با افزایش سطح سواد، استفاده از رسانه بیشتر می‌شود و در نتیجه مجدداً سطح سواد افزایش می‌یابد و در نتیجه سطح توسعه یافتگی بیشتر می‌شود. دنیل لرنر (۱۳۸۶) یکی از اساسی‌ترین بنیان‌ها برای گذار به سمت توسعه را در جایگاه رسانه می‌بیند. وی در کتاب گذار جوامع سنتی به نقش رسانه در توسعه می‌پردازد که چگونه

رسانه با آگاهی دادن به مخاطبان خود موجب افزایش سطح سواد و در نتیجه موجب تقاضاهای جدید، مشارکت اقتصادی و نهایتاً مشارکت سیاسی می‌شود.

ج: کارکرد آموزش و انتقال فرهنگ (ارائه معلومات جدید): هرچند این کارکرد با کارکرد قبلی همپوشانی دارد اما جدای از بحث توسعه، رسانه می‌تواند به عنوان محمل تعالی‌بخش فرد و جامعه از طریق آموزش دائمی نیز استفاده شود. آموزش یا به طور آگاهانه و مستقیم است یعنی مراجعه فرد به رسانه جهت دریافت اطلاعات و آموزش‌های مورد نظر؛ یا به صورت ناآگاهانه و غیرمستقیم؛ یعنی تحت تأثیر قراردادن مخاطب از طریق جذابیت‌های رسانه‌ای که برجسته‌ترین نمود آن در مبحث کنترل ذهن^۳ لُهویدا می‌شود. کارکردهای دیگری نیز می‌توان برای رسانه عنوان کرد نظیر: کارکرد حمایت از هنجارهای اجتماعی؛ کارکرد تعمیم و یکپارچه‌سازی و شبیه‌سازی جوامع مختلف (جامعه توده وار یا کارکرد همگن‌سازی) کارکرد جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری؛ کارکرد راهنمایی و رهبری؛ کارکرد برجسته‌سازی؛ کارکرد بحران‌زدایی و... (سورین و تانکارد، ۱۳۸۴ : ۴۵۲) پرفسور حمید مولانا نیز بر این باور است که میان شاخص‌های نوگرایی و مسیر نهادهای اجتماعی نوعی کنش متقابل وجود دارد (مولانا، ۱۳۷۱ : ۸۳).

بنابراین طبق نظریه‌های ارتباطات، رسانه می‌تواند منشاء تغییر و تحول در مخاطبان خود شود و پیام جهانی‌شدن و ارزش‌های آن را به مخاطبان برساند. از این رو با توجه و گستره رسانه‌های امروزی بر خلاف یک قرن پیش که در ابتدایی‌ترین وضعیت خود به سر می‌برد، رسانه امروز به تأثیرگذارترین ابزارها تبدیل شده است که حتی قابلیت مدیریت افکار را نیز دارد.

حقوق بشر و جهانی‌شدن

فلسفه تدوین حقوق بین‌الملل برقراری نظم و نظام بین‌الملل است که براینند ایجاد این نظم ایجاد و حفظ صلح و ممانعت از جنگ است تا بازیگران بتوانند اهداف و منافع خود را در درون چارچوب‌های تعریف شده تعقیب نمایند. حقوق بشر نیز جزئی از حقوق بین‌الملل است که کارکردهای خاص خود را دارد و در پی ارتقای کرامت و ارزش‌های انسانی است.

³ Mind control

⁴ Order

حقوق بشر، حقوق بنیادی مدنی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی‌ای است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر (مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ مجمع عمومی ملل متحد) به عنوان حقوقی که تمام انسان‌ها مستحق آن هستند از آنها یاد می‌شود. در اعلامیه حقوق بشر موضوعاتی از جمله فردگرایی، حقوق طبیعی، تکثرگرایی ارزشی، حکومت اکثریت، آزادی دین و عقاید سیاسی مورد توجه قرار گرفته است (Robertson, 2005). اولین کنفرانس جهانی حقوق بشر در سال ۱۳۴۸ در تهران برگزار شد و باعث شد کشورهای جهان به اصول اولیه احترام به حقوق انسان‌ها متعهد شوند و به دو کنوانسیون حقوق مدنی-سیاسی و حقوق اقتصادی-اجتماعی-فرهنگی در جهان پیوندند و گزارش سالانه به سازمان ملل متحد ارائه دهند. به طور خلاصه می‌توان فرایندی طی شده در تکمیل حقوق بشر را در جدول زیر نمایش داد:

حقوق سیاسی و مدنی (نسل اول)	حق مشارکت در سرنوشت سیاسی	آزادی بیان	آزادی عقیده و مذهب
حقوق اجتماعی و اقتصادی، و فرهنگی (نسل دوم)	امنیت اجتماعی	آموزش	سطح مناسب زندگی از لحاظ بهداشت و رفاه حق شرکت در حیات فرهنگی جامعه حقوق کار: اشتغال، مزد متناسب با کار، استراحت متناسب
حقوق جمعی یا حقوق مردم (نسل سوم)	حق مربوط به محیط زیست	حق توسعه	حق مربوط به صلح میراث مشترک بشری

به طور خلاصه می‌توان گفت که سه شاخصه «برابری»، «آزادی» و «عدالت» وجه اشتراک همه این حقوق است.

آنچه که میان اندیشمندان مفروض است اینکه سلطه جهانی شدن پس از زوال جنگ سرد شدت گرفت و ریشه آن در توسعه فناوری های پیشرفته و عمدتاً در تسریع جهانی شدن اقتصادی یا همان رقابت در بازار جهانی و فناوری های جدید ارتباطی و نهایتاً مجموعه معینی از ارزش ها، نظیر حقوق بشر است. (Mozaffari, 2002: 29) به حقوق بشر به مثابه نماد اصلی جهانی شدن تبدیل شده است؛ زیرا تا پیش از جهانی شدن مقوله حقوق بشر ناظر به حوزه داخلی دولت ها بود؛ اما در دهه های گذشته شبکه پیچیده ای از قوانین و عرف بین المللی (رژیم بین المللی حقوق بشر) بر اساس این ایده شکل گرفت که افراد صرفاً به دلیل انسان بودن و سهمین شدن در یک انسانیت مشترک دارای حقوقی هستند (براون، ۱۳۸۳: ۱۳۵). گریگ گانگ (2002) نیز بر این باور است که از جمله معیارهای برجسته برای اثبات بین المللی شدن معیارهای تمدن، مبحث حقوق بشر است. وی گسترش التزام به حقوق بشر را بیانگر تداوم چشمگیر معیار "تمدن" از قرن نوزدهم تا معیارهای بین المللی امروز می داند. (Gong, 2002: 82) تصریح به مقوله حقوق بشر در منشور سازمان ملل متحد، بیانیه جهانی حقوق بشر، دو پیمان الزام آور حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ و حقوق مدنی و سیاسی در زمینه حقوق بشر، پیمان ها و میثاق های متعدد همانند پیمان وین و بانکوک در زمینه حقوق بشر، برگزاری کنفرانس جهانی در زمینه حقوق بشر، حقوق بین المللی کارگران، حقوق کودکان، اجلاس های جهانی زنان و شکل گیری رژیم حقوق بشر که پیشرفته ترین آن در نظام اتحادیه اروپایی هویدا شده است و ... همگی نشانگانی برجسته از فراگیر شدن این معیار می باشند.

بنابراین در عصر جهانی شدن، حقوق بین الملل توانسته از اهداف اولیه خود که جلوگیری از جنگ و دائمی ساختن صلح است، فراتر رود و در جستجوی ایجاد عدالت و یا به تعبیر بهتر تحقق امنیت موسع در جهان برآید. به دیگر بیان امروزه حقوق بین الملل با اتکا به هنجارهای بین المللی تلاش دارد — تا ضمن بازتعریفی از مفاهیم مختلف در چارچوب آموزه های انسانی — این مفاهیم را که در قالب تعاریف جدید ارائه می شوند از مقبولیت برخوردار سازد.

از سویی دیگر جهانی شدن ضمن توسعه حقوق بین الملل و حقوق بشر، حاکمیت ملی را با چالش مواجه ساخته و محدودیت هایی برای آن به وجود آورده است. از این روست که برخی بر این باورند که حقوق بشر نماد جهانی شدن و چالشی جدی در برابر حاکمیت سنتی (دولت - ملت) است و با وجود حقوق بشر اصل عدم مداخله در امور داخلی دولت ها تحت شرایطی بی معنا خواهد شد (Krasner, 1991). در این رویکرد حاکمیت همراه با محدود شدن در عرصه عمل، در عرصه مفهومی نیز با محدودیت هایی مواجه می شود. به این معنا که حاکمیت به

مثابه مسئولیت در نظر گرفته می‌شود و رسانه توانسته به صورت نسبی این تعریف جدید از مفهوم حاکمیت را مقبولیت ببخشد (Focarelli, 2012: 94) از نظر تیریآکیان، همه (و یا حداقل بخشی از) نسخه‌های نظریه جهانی‌شدن با این پیشفرض محدود می‌شوند که «یک کل تعیین‌کننده در ورای دولت-ملت وجود دارد، یعنی جهان به منزله یک کلیت است و تعیین‌کننده نهایی بخش‌های وابسته به اجتماع می‌باشد» (Tiryakian, 2001: 279-280). ریچارد فالک نیز بر این باور است که جهانی‌شدن، حقوق بشر و رسانه‌های جمعی جهانی برخی از دولت‌ها را وادار می‌کنند تا استانداردهایی در رفتار با شهروندانشان مراعات نمایند. (Falk, 2009: 74) اگر چه هنوز بسیاری بر این باورند که بین قدرت دولت و قدرت جهانی‌شدن موازنه‌ای وجود دارد و در صورتی که دولت از قدرت کافی برخوردار باشد می‌تواند مانع تأثیرات شدید جهانی‌شدن بر شهروندان خود شود با این وجود نمی‌توان به راحتی از تأثیرات فراگیر جهانی‌شدن از طریق رسانه بر حاکمیت کشورها چشم‌پوشی کرد. زیرا دولت‌ها مجبورند که مفاهیم جدیدی همچون حقوق بشر را تحت فشارهای جهانی‌شدن پذیرا شوند و مراعات نمایند و در حقیقت حاکمیت هر چند از نوع غیردموکراتیک هم باشد، از معنای مطلق‌العنان بودن به سوی مسئولیت و پاسخگویی تغییر جهت داده است. (Donnelly, 2002: 226)

از این رو می‌توان گفت که جهانی‌شدن، نوعی نظم‌بخشی مجدد جهان با سازوکارهایی غیر از سازوکارهای سنتی مبتنی بر قدرت است. دیوید اینگلیس در این باره بر این باور است که فرایند جهانی‌شدن چه در سطح الگوهای فکری و چه در سطح نظم‌دهی‌های سازمانی و برخی از تفسیرهای ساده‌تر این برداشت به جهانی‌اشاره می‌کند که به سمت همگن شدن فرهنگی، اقتصادی، و سیاسی پیش می‌رود که به طور کل توسط غرب رهبری می‌شود. (Inglis, 2010: 137) این وضعیت سبب می‌شود که تقاضاها و درخواست‌های اجتماعی جوامع توسط جهانی‌شدن مدیریت شوند و دولت‌ها مجبور باشند در جهت‌گیری‌های سیاسی خود آنها را لحاظ نمایند (Moravcsik, 2013: 84)

بنابراین میان حقوق بشر و جهانی‌شدن رابطه وثیقی وجود دارد. حقوق بشر در نوع نسل سومی آن کاملاً مرتبط با جهانی‌شدن است این ارتباط هم در تولید مفهوم و هم در مقبولیت و فراگیر شدن آن به جهانی‌شدن و ابزارهای آن نظیر رسانه وابسته می‌باشد.

رسانه و حقوق بشر در عصر جهانی‌شدن

نوآوری‌های فنی در زمینه اطلاعات و ارتباطات از یک فرایند جهانی با همسان‌سازی فرهنگی بیشتر پشتیبانی می‌کنند تا از تنوع فرهنگی محلی. به دیگر بیان در بخش تولید و بازتاب و بازتولید مقوله‌های فرهنگی، ما شاهد نوعی تمرکزگرایی خواهیم بود (هملینک، ۱۳۸۲ : ۸). این امر سبب می‌شود که بسیاری از باورها و هنجارهای ما دست‌خوش تغییر شود؛ زیرا دیگر آنچه که ما به عنوان هنجار باورداشته‌ایم، را مشاهده نمی‌کنیم و به نوعی به سمت استاندارد سازی پیش می‌رویم که به تدریج شاهد توسعه آن خواهیم بود. به دیگر بیان یکی از عناصر مهم در امر فرهنگ‌پذیری و جامعه‌پذیری مقوله امکان ارتباط و انتقال است. اما زمانی که این امر با مقوله قدرت جمع شود کشورهای قدرتمندتر می‌توانند مقوله‌های فرهنگی خود را به دیگران تحمیل نمایند (زرین قلم، ۱۳۸۲ : ۱۶) همانگونه که در بخش مربوط به رسانه اشاره شد، در منابع مختلف برای رسانه کارکردهای مختلفی را عنوان کرده‌اند که در ادامه تلاش می‌شود به طور خلاصه این کارکردها بر مقوله حقوق بشر تطبیق داده شود:

الف: کارکرد نظارتی، اطلاع‌رسانی و انتقال فرهنگ؛ که در رابطه با حقوق بشر می‌توان موارد زیر را احصاء نمود؛ ۱. اطلاع‌رسانی نسبت به آموزه‌های حقوق بشر (تسهیل در دست‌یابی به اطلاعات)؛ ۲. اطلاع‌رسانی در مورد وضعیت حقوق بشر در نقاط مختلف جهان ۳. ارائه تحلیل در مورد حقوق بشر در کشورهای مختلف؛ ۴. آشنا شدن مردم تمام کشورهای جهان با فرهنگ‌های یکدیگر و داوری رسانه در مورد برتری فرهنگ‌ها.

ب: رسانه، توسعه و حقوق بشر؛ از جمله مولفه‌های برجسته‌ای که "دنیل لرنر" در بحث توسعه آن را برجسته می‌کند نقش رسانه در ایجاد وضعیت گذار در جوامع سنتی است. از نگاه وی جوامع سنتی هنگامی که در دسترس رسانه قرار می‌گیرند با جهان پیرامون خود آشنا می‌شوند و از طریق رسانه است که آموزش‌های جدیدی می‌گیرند و این آموزش شکل و محتوای زندگی آنها را دگرگون می‌کند و نگاه آنها را به مقوله‌هایی همچون ثروت تغییر می‌دهد و نخستین تغییر در نوع مشارکت سیاسی آنها رخ می‌دهد. مشارکت اقتصادی، مشارکت سیاسی و فرهنگی را نیز در پی خواهد داشت و در واقع مسیر توسعه جوامع برای تبدیل شدن به جوامع در حال گذار و سپس سنتی از طریق رسانه محقق می‌شود (رک: لرنر، ۱۳۸۶).

ج: ایجاد موج ایدئولوژیک حقوق بشر؛ از جمله مزایای برجسته رسانه‌ها این است که می‌توانند امواج ایدئولوژیک در حوزه‌های مختلفی را ایجاد و هدایت کند. به عنوان مثال پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ با تمرکز بر مقوله تروریسم رسانه‌ها تلاش کردند تا قربانی بودن آمریکا که نماد بارز تمدن غربی است را در برابر تروریسم که نماد بارز آن افراط‌گرایی اسلامی

بود را از مقبولیتی فراگیر برخوردار نمایند. از این‌رو جنگ‌های آمریکا در مقابل عراق و افغانستان (۲۰۰۳) به نوعی تأثیر همین زمینه مساعدی که رسانه‌ها ایجاد کرده بودند با مخالفت کمتری از سوی افکار عمومی مواجه شد. در این حوزه رسانه می‌تواند موارد زیر را به خوبی در مورد حقوق بشر اجرا نماید: ۱. حرکت جهانی در جهت حفظ، پشتیبانی و تشویق حقوق بشر؛ ۲. رعایت و یا عدم رعایت حقوق بشر تنها معیار حاکم بر روابط انسانی مسالمت‌آمیز؛ ۳. فراگیر ساختن این آموزه که حقوق افراد از لحاظ بین‌المللی به عنوان یک انسان نه به عنوان شهروند یا تبعه دولتی خاص حمایت و تضمین می‌شود. ریچارد فالک در کتاب دست‌یابی به حقوق بشر^۶ در باب نقش رسانه در فرایند پذیرش حقوق بشر می‌نویسد: «حقوق بشر محصول تغییرات اجتماعی و در نتیجه ظهور جنبش‌های جدید می‌باشد و در این میان رسانه‌های جهانی و اینترنت این احساس را تقویت کردند.» (Falk, 2009: 8)

نمونه‌هایی از فعالیت رسانه‌ای در زمینه حقوق بشر: سینما و ادبیات

از جمله اختراعات مهم قرن بیستم اختراع پدیده‌های شگفت‌انگیزی همچون صنعت سینما و تلویزیون بود. امروزه نفوذ تلویزیون و سینما از چنان فراگیری برخوردار است که نقش‌هایی همچون آموزش، هدایت و جهت‌دهی افکار عمومی را عهده‌دار هستند. به دیگر بیان سینما و تلویزیون از جمله ابزارهای مهم برای نفوذ در افکار عمومی هستند. سرمایه‌گذاری در صنعت سینما و تلویزیون توسط دولت‌ها و بخش خصوصی نشان‌دهنده اهمیت این ابزار ارتباطی است (رک: بیریکوف، ۱۳۷۲). در اینجا سینما و تلویزیون و یا پدیده فیلم به این جهت انتخاب شده است که برخلاف رسانه‌هایی نظیر رادیو که امکان منطقه‌ای شدن و یا به تعبیر مک لوهان قبیله‌ای شدن را دارند و امروزه پس از اختراع صنعت فیلم به این ابزار تبدیل شده‌اند؛ صنعت فیلم مهمترین ابزار تمرکزگرا شده است؛ یعنی نقطه ثقل ارتباطات جهانی را شکل می‌دهد که در قالب‌های متفاوتی فعالیت می‌کند. در کشورهای پیشرفته آنقدر تلویزیون از نفوذ و گستردگی برخوردار است که در پژوهشی که در سال‌های دهه ۱۹۹۰ یعنی سال‌های اوج هنرنمایی تلویزیون و قبل از فراگیر شدن فناوری‌های نوینی همچون رایانه‌های خانگی و شخصی و گوشی‌های هوشمند انجام شده است نشان داد که تلویزیون به مثابه قصه‌گو، معلم، پدر و مادر و دایه فرزندان شده است (زاگرم، ۱۳۸۲: ۵۷). به نظر می‌رسد علیرغم گسترش و توسعه بسیار

⁶ Achieving Human Rights

زیاد اینترنت و شبکه های اجتماعی در فضای مجازی هنوز هم فیلم و تلویزیون از اهمیت بالایی برخوردارند، بویژه که توسعه شبکه های ماهواره ای این جایگاه را دو چندان کرده است. بنابراین علت انتخاب صنعت سینما (فیلم) و ادبیات در جایگاه آنها در میان مهمترین رسانه های ارتباطی و نیز میزان اثرگذاری آنها می باشد. آنها حوزه هایی هستند نظیر بخش خبری که به طور ویژه و خاص و با استفاده از قابلیت های خود به نحو قابل توجه و تاملی به مقوله حقوق بشر پرداخته اند.

سینما و حقوق بشر

در حوزه سینما (فیلم) در کل جهان ۳۳ جشنواره فیلم با موضوع تخصصی حقوق بشر هر سال برگزار می شود که به عنوان نمونه می توان به جشنواره فیلم حقوق بشر افغانستان، جشنواره فیلم حقوق بشر کرامت لمت مرکز بر مقوله حقوق بشر در جهان عرب که در سال ۲۰۱۵ در عمان برگزار شد، جشنواره بین المللی فیلم حقوق بشر مانیا (اوگاندا، کامپالا) جشنواره فیلم حقوق بشر اسگاردی آلترو (ایتالیا، جشنواره فیلم حقوق بشر بوینس آیرس، جشنواره فیلم حقوق بشر نیویورک، جشنواره بین المللی فیلم حقوق بشر نورنبرگ و جشنواره بین المللی فیلم مستند اسکاتلند که با نام مستند مشهور است، جشنواره فیلم این جهان انسانی، وین اثریش و جشنواره بین المللی فیلم حقوق بشر ورشو اشاره کرد. جشنواره فیلم حقوق بشر افغانستان در سه ژانر مستند، کوتاه و انیمیشن اجرا می شود. که تنها در سال ۲۰۱۶ تعداد ۳۸۰ فیلم به این جشنواره ارائه شد که در نهایت ۶۸ فیلم به مرحله داوری و پایانی جشنواره راه یافت. جشنواره اسگاردی آلترو، جشنواره ای مختص به مسائل زنان است. در این جشنواره برای حضور در بخش اصلی کارگردان فیلم حتماً باید زن باشد. جشنواره فیلم حقوق بشر نورنبرگ قدیمی ترین و بزرگترین جشنواره فیلم حقوق بشر آلمان است که مانند بیشتر جشنواره های فیلم در بخش های سینمایی مستند، و انیمیشن فعال است که در سال ۲۰۱۱ فیلم «مُلف گند» ساخته آقای محمود رحمانی را به عنوان فیلم برتر جشنواره انتخاب کرد. این فیلم، مستندی بود از جنگ تحمیلی عراق علیه ایران. اغلب این جشنواره ها در قالب برنامه های پژوهشی و آموزشی در مدارس و دانشگاه ها حضوری فعال دارند و از این طریق تلفیقی بسیار اثر گذار بین علم و

⁷ Karama Human Rights Film Festival,

⁸ Many Human Rights International Film Festival

⁹ Sguardi Altrove

¹ This Human World

¹ International Film Festival WATCH DOCS Human Rights in Film, Poland, Warsaw

هنر را ایجاد کرده و فرایند اثرگذاری و توسعه هنجارهای حقوق بشری از طریق ارتباطات و رسانه را تسهیل می‌کنند.

کتاب و آثار فراوانی نیز در مورد رابطه بین صنعت سینما و حقوق بشر نوشته شده است که از جمله می‌توان به کتاب جشنواره های فیلم حقوق بشری (۲۰۱۵) نوشته سونیا تاسکون اشاره کرد. این کتاب به دو جشنواره بزرگ فیلم حقوق بشری یعنی جشنواره فیلم بوینس آیرس و فستیوال فیلم نیویورک پرداخته و فراز و فرودهای این دو جشنواره را در دوره های مختلفی بسته به شرایط جهانی بررسی کرده است.

در سایت مشهور IMDB در طبقه‌بندی فیلم‌ها، بخشی مختص فیلم‌های مرتبط به حقوق بشر است و فیلم‌های برتر و مطرح این حوزه را ارائه داده است (<http://www.imdb.com/list/ls052579163>). در این طبقه بندی فیلم هایی همچون فهرست شیندلر (۱۹۹۳)^۳ و پیا نیست (۲۰۰۲)، گم‌لنگ تر یا (۲۰۰۸)^۴ و ... به چشم می‌خورد. فهرست شیندلر و پیا نیست فیلم‌هایی با مضمون هولوکاست و یهودی‌کشی در جنگ جهانی دوم هستند. با این وجود غالب فیلم‌های این فهرست در کشورهای جهان سوم رخ می‌دهد و فضایی را نشان می‌دهد که مردم آن مبتلا به بسیاری از معضلات حقوق بشری هستند. ایران، افغانستان، رواندا، عراق، و... نمونه‌هایی از این دست کشورها هستند.

در بخش فیلم‌های مستند نیز، شاهد حجم عظیمی از تولیدات مرتبط با حوزه حقوق بشری همچون برده‌داری (اعم از مردان، زنان، کودکان و برده‌گی جنسی و ...) تولید شده است. وظیفه اصلی این فیلم‌ها نشان دادن مصائب و مشکلات حقوق بشری در کشورهای هدف است؛ یعنی نشان دادن تهدیدها و آسیب‌های حقوق بشری که یکی از کارکردهای رسانه است. در گام بعد تلاش می‌شود با آموزش برای ساخت دنیایی بهتر بر مبنای آموزه های حقوق بشری اقدام شود. فیلم می‌تواند از جمله ابزارهای مهم دانش‌افزایی و آموزشی در کنار سایر ابزارها همچون مدرسه و دانشگاه باشد. «کالوین سیلی» در کتابی که در این زمینه نوشته است بر این باور است که: «فیلم از قدرت انتقال دانش برخوردار است و این قدرت انتقال به نحوی است که آنچه که از طریق گفتگوی شفاهی و تدریس در کلاس درس‌ها امکان پذیر نیست، را میسر می‌سازد» (sealey, 2008 : 3) از سویی دیگر مهمترین ویژگی و هنر سینما این است که موضوعات را

¹ Human rights film festivals ²

¹ Schindler's List ³

¹ The Pianist ⁴

¹ The Stoning of Soraya M. ⁵

دراماتیزه می‌کند و این مسئله سبب می‌شود فرد به سبب تأثیرپذیری بسیار زیاد از صحنه‌هایی که بر پرده سینما و یا صفحه تلویزیون مشاهده می‌کند با بازیگر و رخدادها هم‌ذات‌پنداری کند و تلقیاتی ناشی از این هم‌ذات‌پنداری را پذیرا شود (over, 1999: 84)

آنچه که در مورد صنعت سینما و فیلم باید توجه داشت این است که ارتباط مستقیمی بین گسترش جهانی شدن و انقلاب ارتباطات با رونق گرفتن این صنعت وجود دارد. فیلم حقوق بشر در دو دهه اخیر هم‌گستره محتوایی پیدا کرده، هم‌گستره موضوعی و هم‌گستره مخاطب و این امر با بررسی فیلم‌ها و جشنواره‌های مرتبط با آن به دست می‌آید. امروزه فیلم‌های حقوق بشری، با توجه به گسترش محتوایی حقوق بشر، به مسائل و مقولات جدیدی در زمینه حقوق بشر می‌پردازند. از سویی دیگر فیلم‌ها به مناطق مختلف جهان توجه دارند و مختص به مصائب مردم یا ملت‌های خاصی نیستند. و نهایتاً اینکه مخاطبان این فیلم‌ها در سطح بین‌المللی و جهانی تعریف می‌شوند و با اتکا به فرصتی که جهانی شدن ارتباطات در اختیار گذاشته است امکان اطلاع‌رسانی و اکران یک فیلم در بسیاری از نقاط جهان وجود دارد و این امر اثرگذاری فیلم در باب حقوق بشر را بسیار افزایش داده و سبب آشنایی همه مردم جهان با آموزه‌های حقوق بشری شده است.

ادبیات و حقوق بشر

در حوزه ادبیات نیز ما شاهد آثار زیادی در زمینه حقوق بشر هستیم که در ادامه برای نمونه و با هدف نشان دادن اهمیت حوزه ادبیات در حقوق بشر بر آثار یکی از نویسندگان تمرکز شده است. در باب مسئله حقوق بشر در افغان‌ستان دوره طالبان، برجسته‌ترین اثر ادبی، آثار خالد حسینی است که معطوف به زندگی زنان و کودکان در افغان‌ستان به نگارش درآمده است. او افغان مقیم آمریکا است و تلاش کرده است تا زندگی در افغان‌ستان را به نثر درآورد. اگر چه او پزشک است اما تا کنون سه اثر مشهور در مورد زندگی در افغان‌ستان نگاشته است. آثار او به زبان انگلیسی به نگارش درآمده و سپس به زبان‌های دیگر ترجمه شده است.

اثر نخست وی «بادبادک باز»^۱ بود که در سال ۲۰۰۳ به چاپ رسید و ۴ میلیون نسخه فروش داشت و در این سال رده سوم پر فروش‌ترین کتاب‌های جهان را به خود اختصاص داد. در سال ۲۰۰۷ هالیوود از روی این اثر فیلم مشهور بادبادک باز را ساخت تا ارتباط وثیق میان حوزه ادبیات و حوزه سینما در عرصه حقوق بشر به خوبی نمایان شود. این فیلم در شمار بهترین فیلم‌های مربوط به مقوله حقوق بشر است که در سایت imdb طبقه بندی شده است.

¹ Kite Runner

در این اثر وضعیت منازعات نژادی میان هزاره (شیعه) و پشتون (اهل سنت)، وضعیت کودکان (تجاوز جنسی به کودکان) و زنان در دوره طالبان به خوبی به نمایش درآمده است. با این حال نقطه عطف داستان این کتاب روایت پدرها و پسرها در افغانستان دوره طالبان است و در حقیقت به مقوله کودکان پسر می‌پردازد. هر چند برش‌هایی هم به مقوله‌هایی همچون سنگسار زنان اشاره دارد. در بادبادک باز امیر که خود هزاره و شیعه است و افغان ساکن و بزرگ شده امریکا است برای نجات یک کودک هزاره به افغانستان می‌آید.

اثر دیگر خالد حسینی کتابی است با عنوان «هزار خورشید تابان» که در سال ۲۰۰۵ به چاپ رسید. نام این کتاب از شعری از صائب تبریزی، شاعر ایرانی قرن هفتم به عاریت گرفته شده است:

«خوشا عشرت‌سرای کابل و دامان گهسارش / که ناخن بر دل گل می‌زند مژگان هر خارش
حساب مه‌جبینان لب بامش که می‌داند / دو صد خورشید روی افتاده در هر پای دیوارش»
چاپ نخست این کتاب در ۳ میلیون نسخه در امریکا به فروش رسید و پر فروش‌ترین کتاب جهان شد. این رمان در ژوئن سال ۲۰۰۷ برای دست کم سه هفته پرفروش‌ترین رمان آمریکای شمالی شد. این کتاب در ۳۰ کشور جهان از جمله ایران ترجمه و به چاپ رسید. در ایران این اثر در سال ۱۳۸۶ سه بار تجدید چاپ شد و تا سال ۱۳۹۵ هفده بار تجدید چاپ گردید. چهار انتشارات با چهار ترجمه مجزا این اثر را در ایران به چاپ رسانده‌اند. این کتاب به وضعیت زنان افغان می‌پردازد. دختری نامشروع که از حقوق اولیه برخوردار نیست. عاشق شدن دختر که بی سرانجام می‌ماند. دختر از سوی پدر خود، به عنوان همسر دوم به ازدواج مردی مسن و خشن در می‌آید، در حالیکه از عشق بی‌فرجام خود باردار است. در این داستان به خوبی وضعیت بی‌هویتی زنان افغان و حاکمیت مردان بر آنها را به تصویر کشیده است. زنانی به مثابه ابزاری در دست مردان. مقوله بسیار مهم این اثر روایت تاریخی آن است که در یک بازه زمانی ۴۵ ساله از زمان کودتای سال ۱۹۷۳ علیه ظاهر شاه تا افغانستان بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، روایت می‌شود. این حوادث عبارتند از: ورود روس‌ها، جنگ‌های مجاهدین با روس‌ها، عقب‌نشینی نیروهای روسی، درگیری قوم‌ها و دسته‌های مختلف در افغانستان و رنج‌های بی‌شمار مردم عادی، به قدرت رسیدن طالبان، حوادث ۱۱ سپتامبر و پس از آن. بر خلاف کتاب «بادبادک باز» که روایت وضعیت پدر و پسران است، کتاب «هزار خورشید تابان» روایت زندگی مادران و دختران افغانی است. زنانی که از ورای برقع به سمت مدرنیته تمایل دارند و به مدد آن در

تلاشند از بی رحمی سنتی مردان رهایی یابند. لیلا که هووی مریم است و از خانواده‌ای روشنفکر، به مریم می‌گوید: «مثل عقربه قطب‌نما که رو به شمال می‌ایستد، انگشت اتهام به مرد هم همیشه زنی رو پیدا می‌کند. همیشه اینو یادت باشه مریم». این اثر نیز قرار است به زودی تبدیل به فیلم شود. استیون زایلین، فیلمنامه نویس مشهور، قرارداد نوشتن فیلمنامه‌ای با اقتباس از رمان «هزار خورشید تابان» را امضاء کرده و قرار است کارگردانی این فیلم را نیز برای کمپانی «کلمبیا پیکچرز» به عهده بگیرد. زایلین کارگردان فیلم مشهور فهرست شیندلر است که مقوله هولوکاست و رنج‌های یهودیان در جنگ جهانی دوم به تصویر کشیده است. اثر دیگر خالد حسینی با نام «و کوه‌ها طنین می‌افکنند»^۱ است که توسط انتشارات بلومزبری به چاپ رسیده و همانند آثار قبلی جزو پرفروش‌ترین کتاب‌ها قرار گرفته است. این اثر نیز همانند دو اثر دیگر متمرکز بر مصائب زندگی مردم افغانستان است. خواهر و برادری که از هم جدا افتاده‌اند و برادر بزرگتر در صدد یافتن خواهر خود است.

یک اثر هنری با موضوع حقوق بشر می‌تواند از چنان، اثر گذاری و فراگیری برخوردار باشد که بسیاری از نابهنجاری‌های حقوق بشری را به تصویر بکشد. نکته جالب توجه در داستان‌های خالد حسینی بستر رخدادها در دو نقطه است: افغانستان و آمریکا. طبیعی است در این الگو از روایت افغانستان منبع تمام نابهنجاری‌های حقوق بشری و آمریکا منشأ همه خیرات خواهد بود و از این روست که مقوله ناجی و مأمون بودن آمریکا، و خوشبختی در سبک زندگی آمریکایی بسیار در این داستان به چشم می‌خورد. یعنی پس از آنکه مخاطب با تمام نابهنجاری‌های حقوق بشری در افغانستان مانوس شد، روایتی از زندگی افغانها در آمریکا نیز نشان داده می‌شود که در مقوله‌هایی همچون حجاب، حق تحصیل، ازدواج، شغل و ... از آزادی برخوردار هستند. به عبارت بهتر کشورهای غربی بعنوان آمال رعایت حقوق بشر در جهان معرفی می‌شوند و این امر را جهانی شدن با توسعه ارتباطات امکان‌پذیر ساخته است. به گونه‌ای که یک فیلم یا کتاب به سرعت ترجمه شده و از نقطه‌ای به نقطه دیگری در جهان انتقال می‌یابد و عملاً فاصله‌ها و مسافت‌ها را کنار می‌گذارد.

فرجام

هر پدیده‌ای و از جمله جهانی شدن دارای آثار مثبت و منفی است. استفاده از نکات مثبت و سوق دادن آن به سوی پیشرفت جامعه و کاهش آثار منفی هنری است که نخبگان هر جامعه می‌تواند آن را محقق کند. داشتن راهبردهای مناسب، برنامه ریزی دقیق و اجرای مطلوب

¹ And the Mountains Echoed ⁸

آنها از جمله عواملی است که می‌تواند به دولتها در برخورد با پدیده جهانی شدن کمک کند و موجب شود که آنها نه تنها دچار آسیب‌ها و بحرانهای اجتماعی نشوند، بلکه بتوانند از مزیت‌های آن استفاده کرده و به توسعه رفاه در جامعه خویش کمک کنند.

جهانی‌شدن برای آنانی که تولیدکنندگان آن به شمار می‌روند بیشترین مزایا را به همراه دارد و برای مصرف‌کنندگان محض آن بیشترین مضرات را خواهد داشت؛ زیرا نظم‌بخشی را در قالب ایجاد مفاهیم و ایجاد ابزار برای بازتولید آن به خوبی اجرا می‌کند. جهانی‌شدن، امروزه از طریق رسانه با محدود کردن حاکمیت ملی، نوعی مداخله‌گری غیرمحسوس و نرم را در دستور کار قرار داده است تا بتواند جوامع غیرغربی را با هنجاری غربی سازوار نماید. این نظم‌بخشی به قدری فراگیر است که هر حرکتی خارج از آن نابهنجاری تلقی خواهد شد. رسانه‌هایی مانند فیلم و ادبیات، از جمله مؤثرترین ابزارهای جهانی‌شدن در فرایند توسعه و ترویج ارزش‌های حقوق بشری مدرن هستند؛ زیرا این ابزارها، برخلاف ابزارهایی همچون ماهواره، اینترنت، روزنامه و ... که فقط خبر را ارائه می‌دهند و یا برخلاف نظامهای آموزشی که فقط متن یا مطلبی را تعلیم می‌دهند، سبب همراهی فرد با موضوع از طریق هم‌ذات‌پنداری می‌شوند و این سبب می‌شود که فرد در فرایند انطباق دائمی در خلال ماجرا قرار گیرد. تعدد جشنواره‌ها و آثار هنری و ادبی مرتبط با زمینه حقوق بشر، به علت استقبال از این موضوعات خود نمایانگر اثرگذاری و اهمیت این مقوله‌ها می‌باشد.

از این رو برای جوامعی همانند جامعه ایران که ارزش‌ها و هنجارهای خاص خود را دارد، مفاهیم برآمده از جهانی‌شدن، نظیر حقوق بشر، که با توسعه ارتباطات در حال ترویج است، مشکلاتی را به همراه خواهد داشت. در مفهوم مدرن و برداشت جهانی حقوق بشر، این مفهوم با برخی آموزه‌های دین اسلام در تعارض خواهد بود؛ نظیر آزادی‌های بی‌حد و مرز انسان‌ها که در قالب جنبش‌هایی نظیر فمینیسم و همجنس‌گرایی جلوه‌گر می‌شود. گسترش حقوق بشر می‌تواند به مثابه شمشیر دو لبه عمل کند و بهترین راه، استفاده صحیح از ابزارهایی است که جهانی‌شدن در اختیار ما قرار می‌دهد. به عبارت بهتر رسانه‌ها می‌توانند برای توسعه و ترویج حقوق بشر اسلامی مورد استفاده کشورهای نظیر جمهوری اسلامی ایران نیز قرار بگیرند تا از این طریق ضمن توسعه آموزه‌ها و مبانی حقوق بشر اسلامی به برخی اتهامات کشورهای غربی نیز پاسخ داده شود.

منابع فارسی

- ۱ برازنده، آرزو (۱۳۹۳) «نقش رسانه در تلاش برای توسعه و گسترش آگاهی از حقوق بشردوستانه»، فصلنامه مطالعات بین المللی، شماره ۴۰، بهار.
- ۲ براون، کریس، حقوق بشر، در بیلیس، جان؛ و استیو اسمیت (۱۳۸۳) جهانی شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین (موضوعات بین المللی، جهانی شدن در آینده)، ج ۲، جمعی از مترجمان، تهران: موسسه فرهنگی و بین المللی ابرار معاصر.
- ۳ بروجردی، محمود (۱۳۸۴) «نقش رسانه‌ها در ترویج اصول بشردوستانه و گفتگوی تمدن‌ها»، ویژه نامه مجله پژوهش حقوق و سیاست، پاییز.
- ۴ بیریکوف، اس (۱۳۷۲) تلویزیون و دکترین‌های آن در غرب؛ ترجمه محمد حفاظی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- ۵ بیلیس، جان؛ و استیو اسمیت (۱۳۸۳) جهانی شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین (زمینه تاریخی، نظریه‌ها، ساختارها و فرایندها)، ج ۱، جمعی از مترجمان، تهران: ابرار معاصر.
- ۶ جات، گارث اس و اودانل، ویکتوریا (۱۳۷۲) تبلیغ و ترغیب، ترجمه احمد میرعابدینی، فصلنامه رسانه، سال چهارم، زمستان.
- ۷ حسینی، خالد (۱۳۸۹) بادبادک باز، ترجمه پیمان اشراقی، تهران: نشر نگارستان کتاب.
- ۸ حسینی، خالد (۱۳۸۶) هزار خورشید تابان، ترجمه مهدی غبرایی، تهران: نشر ثالث، چاپ اول.
- ۹ حسینی، خالد (۱۳۹۲) و کوه‌ها طنین انداز شدند، ترجمه منصوره وحدتی، تهران: نشر پارمیس.
- ۱۰ زاکرم، مورتمر ب (۱۳۷۲) «قربانیان خشونت تلویزیون»، ترجمه فرید ادیب هاشمی، فصلنامه رسانه، سال چهارم، شماره ۳، تابستان.

- ۱۱ زرین قلم، عبدالرحیم(۱۳۷۲) "فرهنگ و ارتباطات جمعی"، فصلنامه رسانه، سال چهارم، زمستان.
- ۱۲ سلیمی، حسین(۱۳۹۲) نظریه‌های گوناگون در باره جهانی شدن، تهران: سمت.
- ۱۳ ساروخانی، باقر(۱۳۸۵) جامعه‌شناسی ارتباطات، تهران: نشر اطلاعات، چاپ هفدهم.
- ۱۴ سورین، ورنر جی و تانکارد، جیمز دبلیو(۱۳۸۴) نظریه‌های ارتباطات، تهران: دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- ۱۵ کاستلز، امانوئل(۱۳۸۰) عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه، فرهنگ، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز و حسن چاوشیان، تهران: طرح نو.
- ۱۶ لرنر، دانیل(۱۳۸۶) گذار جامعه سنتی، نوسازی در خاورمیانه، ترجمه غلامرضا خواجه سروی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۷ مک لوهان، مارشال(۱۳۷۳) «رادیو، این طبل قبله ای»، ترجمه حسن نورایی بیدخت، فصلنامه رسانه، بهار.
- ۱۸ مولانا، حمید(۱۳۷۱) گذار از نوگرایی، ترجمه حمیدشکرخواه، تهران: مرکز مطالعات تحقیقات رسانه‌ها.
- ۱۹ هملینک، سیس.جی(۱۳۷۲) «آیا پس از انقلاب اطلاعات زندگی وجود خواهد داشت؟»، فصلنامه رسانه، سال چهارم، شماره ۴، زمستان.

- 1 Donnelly, Jack; "Human Rights, Globalizing Flows, and State Power"; in Brysk, Alison(ed); Globalization and Human Rights; UNIVERSITY OF CALIFORNIA PRESS, 2002.
- 2 Falk Richard; Achieving Human Rights, Routledge, 2009.
- 3 Focarelli, Carlo; International Law as Social Construct: The Struggle for Global Justice, oxford university press, 2012.
- 4 Gong, Gerrit W.; "Standards of civilization today"; in Mozaffari, Mahdi(ed); Globalization and Civilizations, Routledge, 2002.

- 5 Inglis, David; *Civilizations or Globalization(s)? : Intellectual Rapprochements and Historical World-Visions* European Journal of Social Theory 2010 13: 135.
- 6 Krasner, Stephen. *Global Communications and National Power. Life on the Pareto Frontier* .World Politics. April 1991, 336-66
- 7 Moravcsik Andrew; *Liberal Theories of International Law*; in Dunoff, Jeffrey L. and Pollack Mark A.; *Interdisciplinary Perspectives on International Law and International Relations*, cambridge university press 2013.
- 8 Mozaffari, Mahdi(ed); *Globalization and Civilizations*, Routledge, 2002.
- 9 Rabertson. David; *A DICTIONARY OF Human Rights*, Taylor & Francis, 2005.
- 10 Robert W. Cox; *Civilizations and the twenty-first century Some theoretical considerations*; in Mozaffari, Mahdi(ed); *Globalization and Civilizations*, Routledge, 2002.
- 11 Tascón, Sonia M; *Human Rights Film Festivals: Activism in Context*, Palgrave, macmillan, 2015.
- 12 Tiryakian, E. (2001) 'Introduction: The Civilization of Modernity and the Modernity of Civilizations', *International Sociology*, 2001, 16(3): 277-92.
- 13 Shawn Seale, Kelvin; *Film, Politics, & Education: Cinematic Pedagogy across the Disciplines*, peter Lang publishing, 2008.
- 14 Over, William; *Human Rights in the International Public Sphere: Civic Discourse for the for the 21 century*, Ablex publishing, 1999.